می شود آنها کتاب نفاق نوشتند، موالات ها نوشتند تهمت ها بافتند و بستند و کردند آنچه کردند . . .

جمعیت درهمچو موارد بجز بازگو سازی برخی مسائل اسلامی جز راه سکوت راه دیگر را اختیار نکرد.

اما این بار چرا دگرگونی درپالیسی جمعیت رخ میدهد و بتشریح فاجعه تخار اقدام می کند و پرده را از چهره برمیدارد؟! انگیزه و باعث حدوث این دگرگونی در پالیسی جمعیت را می توان در امورات ذیل خلاصه نمود:

۱ـ حجم این جنایت

۲ـ پنهان کردن جرمی با این بزرگی خیانتی است نسبت به نهضت اسلامی.

۳ـ عدم تکرار همچو حوادث در آینده.

۴ـ خشم و قهر مردم.

آری! حجم این جنایت باندازه بزرگ است که هیچ ضمیر بیدار و قلب صافی نمی تواند در قبال آن موقف شکیبائی را اتخاذ نماید، اگر صبر ایوبی هم باشد با زهم در برابر چنین جنایتی که موجب بشهادت رسانیدن تعداد نخبه ترین افراد نهضت اسلامی خونبار مان میشود، نمی تواند سکوت اختیار نماید و پنهان کردن چنین جنایتی هم در مرحله حساس کنونی جز اینکه صحه گذاری برجرم و جرم پیشگی باشد تعبیر دیگری ندارد.

ترحم بر پلنگ تیز دندان
ستمگاری بود بر گوسفندان

جمعیت درنهایت امربا ین باورشد که اگرد ر برابرجنایاتی ازین طرا زسکوت را می گزیندباید بنشیندوانتظاربکشدکه باز تبرقصاب ان برفرق کدام فرزندصدیق دیگر نهضت پائین می آید.
گذشته ازهمه این ها،جمعیت بعدازین نخواهد توانست دربرابر برخشم وقهرحق خواهانه مردم که پایگاه مطمئن برای نهضت فرسوزما بحساب می روند، مقاومت کند،ومقاومت دربرابر برسیل خشم وقهر مردم جزاینکه تیشه زدن برریشه نهضت اسلامی باشد مفهوم دیگری ندارد.

ازشعارحکومت صد فیصد اسلامی تاتائید کودتا بدست خلقی ها

ما ازآقای حکمتیار می پرسیم ؟
شما بارها دربیانات ومصاحبه های خودوحتی درجریان شورای مشورتی وبعداً درمصاحبه با یکی از نشرات جهادکه رسیدن بقدرت ازطریق کودتا را جنایت وجرم قلمداد می کردید،امروزچه مجوزشرعی ویا قانونی برای تان پیدا شدکه سقوط رژیم کابل از طریق یک کودتا توسط افسران خلقی که حزب شما در آن شرکت داشته باشد مشروع ومجاز است ؟
چرا درین اواخرتاءئیدازکودتا نقل مجلس ومصاحبه های شما با خبرنگاران است ؟ وکودتا چیان مورد تاءئیدقرار می گیرندوافسران خلقی که کودتا را

سربرا ه‌می‌سا زندطرف تحسین و تمجیدشما قرا ردا رند؟
شعا رحکومت‌صدفیصدا سلامی کجاوصحه گذا شتن‌برکودتا ی
طرح ریزی شده‌ا زطرف‌ا فسرا ن خلقی کجا !!
چه‌ضما نتی وجـــوددا ردکه‌ا ین‌ا فسرا ن‌خلقـــی
کردتا گرمخفی ترین ا عضا ی K.G.B نبا شند؟
شما زما نیکه عمل‌کودتا را ا زطرف قوما ندا نهـا ی
محکوم می کنیدپس‌کدا م ضما نت وجوددا ردکه‌ا یـــن
ا فسرا نیکه‌ده‌سا ل دربرا برمجسمه‌لنین سرتعظیـــم
فرودآ وردندودست ها شا ن تا شا نه‌درخون ملت ما غرق
ا ست ا زدست آ وردها ی جها دملت ما دفا ع وپا سداری
می کننـــد؟؟

"گرگ سیه‌درون سگ چوپا ن نمیشود"

ا ین ا فسرا نیکه‌درمدت ده‌سا ل دربـــرا بـــــــر
آ دمکشی ها ی خودبرتبه‌ها ی دگروا لی وجنرا لـــــی
رسیدندآ یا خواهندتوا نست درمقا م سپا هیا ن‌پا سدا ر
ا نقلاب شکوهمندما شوند؟آ یا ا مکا ن آ ن نیســـت‌کـــه
کا ،جی،بی باا ین توطئه‌خودجوی را بمیان آ ردکه‌بتوا نـــد
توسط ا ین‌کودتا چیا ن شناخته شده‌همه‌شخصیت‌های‌مؤثردرا ین
خیزش عظیم را نا بودنما یدورا هش را بی خا رسا زد.
ا زنظرما ا نگیزه‌تا ئیدا زین کودتا را میتـــوا ن
دردوچیزخلاصه کرد:
۱ـ رسیدن بقدرت بهرطریقی که‌با شد.
۲ـ سا دگی وکودنـــی .

درین جا بیا دهما ن دا ستا ن مزدورخا ن می شویم که مزدور می گفت من مزدورخا ن جا ن هستم نه مزدور با دنجا ن . اگرخا ن با دنجا ن را خوب گفت من خوب می گویم واگرخراب گفت من هم به بدگوئی آ ن می‌پردازم. آری اگرکوه تا وسیله رسیدن بکرسی قدرت می شوددرآ نصورت امری است مطلوب وخواستنی ولی اگروسیله رسیدن شخصی دیگری بحکمروائی می شود، علی العجاله فتوی تحریم آنرا درمحضرخبرنگاران صادرمی کنند.

اعتراف آغای حکمتیار

نظربه واضح بودن وصراحت نحوهٔ وقوع فاجعه ۱۸ سرطا ن درتخا روا ینکه نا شی ازیک توطئه استرا تژیک حزب اسلامی درجهت تصفیهٔ نهضت اسلامی وازمیا ن برداشتن بزرگ مردان نهضت می باشد موضع گیری جمعیت اسلامی درروشنی حقائق ومدارک واسنا دازهما ن لحظات نخست صاف وصریح بود و درقبال موضع گیری ها ی صریح وقاطع خودمسبب وعاملین این فاجعه عناصروابسته به باندحکمتیار را معرفی نمودودرآ ن توضیح داشت که این فاجعه بنا برعمیق بودن خودبدون هدایات کدررهبری حزب ودرراٴس آ ن حکمتیا ر امکا ن نداشت پیا ده گردد.

جمعیت اسلامی بنابرتحلیل وارزیابی همه جانبه بااین نتیجه

محتوم دست یافت که تصامیم طراحان این توطئه و کارگردانان این تراژدی تنها و تنها متوجه همین تعداد فرادیکه نا جوانمردانه به شهادت رسیدند نبوده بلکه در زهله اول و در راءس این برنامه شوم، نستوه مجاهد راه اسلام وفرزند دلسوز به ملت و وطن احمدشاه مسعود رئیس شورای نظار جمعیت بود که خداوند بحال ملت مظلوم وبیچاره عنایت ولطف نمود و از گزند این خونخواران مصئونش داشت .

جمعیت اسلامی که جریانات و حوادث و بیانات و اظهارات افراد در ارتباط به این قضیه جانکاه را جدا "تعقیب مینماید در لابلای چندین اظهارات آغای حکمتیار که از طریق رادیوها نیز پخش گردیده به این جمله بر میخورد که میخوانید: آغای حکمتیار میگوید : "سبب اصلی وعامل اصلی این حادثه مسعود است "

هرقدر جوانب و پهلوهای مختلف این جمله بررسی گردید دلیلی پیدا نشد که دلالت کند بر اینکه احمدشاه مسعود حرکتی از خود نشان داده باشد که منجر به وقوع این حادثه شده باشد .جریانات جلسه واضح است غیر از قوماندانهای جمعیت از سائر تنظیم ها نیز شرکت داشته اند خبرنگاران هم گذارش های مفصلی از جریانات نوشته و به نشر سپرده اند .مسعود جلسه را بخاطر برچیدن بساط کمونیزم دائر کرده بود و با قوماندانها درهمین جهت در خلال شور و بحث تصامیم اتخاذ نموده بودند.

اگرسنگرهای حزب اینگونه‌جلسات را علیه‌خودمیدانند وخودرا دوست وحامی دولت.درینصورت ما با آغای حکمتیار متفقیم که‌چون مسعودفرمان حمله‌علیه‌مواضع دولت مزدوررا داده‌است وسنگردا را نحزب برای حمایت از دست آوردهای انقلاب ثورعکس العمل نشان داده‌اند مسعودمسبب‌این حادثه خواهدبودوآغای حکمتیار فرمان بجا ومعقولی به‌سنگردا ران خودداده‌است تا بر مجاهدین یورش برندونهضت اسلامی را خفه‌سازند.

واگرچنین نیست پس تعبیروتفسیرگفته‌آغای حکمتیار مبنی برمسبب بودن مسعودچنین است که‌چون حزب اسلامی اصلادرپیاده‌ساختن این توطئه‌منظور اولی اش شخص مسعودبوده‌درین جریان اصلابخاطر ازمیان برداشتن مسعودطرح ریزی شده‌بودواگر مسعوددرصفحات شما لویا درتخار نمیبودودست به ابتکارات تازه‌وهماهنگ کننده‌ووحدت زا نمی یازید واگرمسعود دامنهٔ تلاش ها ومبارزه‌اش را گسترده نمی ساخت واگرمسعودهچنان درحصار منحط وغیراسلامی قریه‌پرستی وسمت پرستی باقی می ماندیعنی از پنجشیرپا را فراترنمی‌گذاشت واگرمسعودآرام می نشست ومی گذاشت که‌آغای حکمتیار با براه‌انداختن قتل وکشتار ملت یکه تازمیدان قدرت گرددواگر مسعودهمچوبشیرحزبی یک فردبی احساس عیاش نوکرمنش وجلاددراختیار حکمتیار می بوددرست است

این فاجعه‌بمیان نمی آمدوانگیزه‌برای همچوتوطئه وجودنمیداشت .ازین رهگذرمسعودبحیث هدف اساس این توطئه‌مسبب این واقعه‌است وآغای حکمتیارهم دربیانات خودهمین تعبیروتفسیررانهفته‌دارند .

وبدین ترتیب آغای حکمتیارا عتراف می کنـد که‌ما اصلاً این جریان رابخاطرازمیان بردن مسعود براه‌انداخته‌بودیم چون تیرما درست ومکمل بـه هدف اصابت نکرده‌واوزنده‌است لذا تقصیرما هم‌کمتر وقابل گذشت وعفو . پس اگراین حقیقت راباز هـم انکارمی کنندا جازه‌بدهندیک چندسوال حقوقـی از ایشان بعمل بیاوریـم :

وقتی یک حادثهٔ جنائی اتفاق می افتدمنحیث یک قضیهٔ حقوقی دوطرف میداشته‌باشدطرفی که‌اقدام به‌فعل می کندوطرف دیگرکه‌فعل براو واقع‌میشود درچنین قضا یا هردوطرف مسئول نیستندمثلاً کسـی بخانهٔ دیگری به‌قصددزدی ویاجنایت دیگری داخـل میشودهیچ پرنسیپی وجودنداردکه‌حکم کندصاحب خانه مقصراست ومسئول،چون دزدتوانسته‌است دست بـه سرقت بزندویا ...ویازمانی مجاهدین ازطریق لوگر ویاراه‌دیگری میخواهندبه‌سنگربروندوسلاح حمـل کنندولی درعرض راه‌درکمین دولت وکمونیست هـا واقع میشوندوبه‌شهادت میرسندپس هیچ کس نمیتواند حکم کندکه‌تقصیربگردن مجاهدین ومقصراصل هـم

رهبری است که درپشاورنشسته است .درین دوصورت فوق صاحب خانه ویا مجاهدین یک تقصیردارندکه از توکل وبی پروائی ایشان ناشی میشودوجهت احتیاط را رعایت نمی کنند .حالابربگردیم به فاجعهٔ (۱۸) سرطان ـ وفاشعارا ن حکمتیار برسرراه کمین می گیرندوعابرین بدون هراس وبیم ازراه عامه میخواهندعبورکنندوقبلاهم به مردم اطمینان داده شده که امنیت شان گرفته میشود (فریب واغواء)وبعد هم فاجعه بمیان می آیددرحالیکه مسعوداز هیچ حرکتی وجریانی واقف نیست وجزاینکه جهت احتیاط را رعایت نکرده وبه تعهدوپیمان وایمان واسلام حزبی های تنگی فرخاربا ورکرده ومانع رفتن ازین مسیرنگردیده است همین وبس .واوحتی تازمانی که جریان شهادت برادرانش رابوی گذارش نداده اند باوربوده است که قطع نظرازپیمان وتعهد قبلی برادران وفاشعاران حکمتیارا ینقدرسفاک وبی رحم نخواهندبودکه علیه جهان بشریت وجهان اسلام وجهادوانقلاب ده سالهٔ کشور بخون خفته مان به چنین جنایتی دست بزنندکه روی چنگیزویزیدراسفیدگردانند .

پس این عبارت حکمتیار صاحب که مسعودمسبب، اصلی این فاجعه است "جزاین تعبیری نداردواعتراف صریح کدررهبری حزب ازآن استنباط میشود .

محلی تلقی کردن این جنایت فاقد پایگاه ایدیالوژیکی است

منطق آقای حکمتیار ودنبالهروان آن درنشرات ومصاحبههای شان همیشه این بودهکه این حادثهیک حادثهمحلی بودهونباید آنرا صبغهعمومی داد.

درارزیابی همچومنطق چوبین پا باید متذکرشد کهیک گروهسیاسی پابندبیک ایدیولوژی همواره سعی بخرچ میدهدتا کاروکردارخودرا مطابق بهاصول عقیدتی اش چوکات بندی نماید.

بناءً ماازدارودستهنشراتی عقل گوش آقای حکمتیار می پرسیم کهاین جنایت قتل نخبهترین فرزندان نهضت اسلامی کشوررا بروی کدام متکای عقیدتی می توان محلی ومنطقوی تلقی کرد؟

تعالیم اسلامی بما هدایت میدهدکهاگرجنایتی درغرب عالم اسلام بوقوع می پیوندد، مسلمانیکه درشرق عالم اسلام زندگی می کندباید آن جنایت را محکوم وخواهان بکیفررسانیدن عاملان آن گردد زمانیکهاصول عقیدتی ما قتل یک نفس را بدون موجب مساوی بکشتن همهبشریت میداند، پس روی کدام استدلال وبرپایهکدام منطق می توانیم قتل همهبشریت را یک حادثهمحلی تلقی کردهودربرابر آن سکوت نمائیم.؟!!

بلی ! آنجا که معیارهای جزمعیارهای اسلام حاکم بوده وازنام اسلام وتعالیم آن فقط بخاطرجلب منفعت پشتیبانی گردد نتیجه حتمی همان است که می بینیم: معیارهای ساخت فابریکه های جاهلیت را ازشام تا بام نشخوار می کنند وازبسکه ذائقه خودرا ازدست داده اند شهد وحنظل درمذاق آنها یکی است .

دخالت دادن برادران عرب درین قضیه عملی است نفاق افگنانه

حزب آقای حکمتیار درراه بطه بفاجعه تخار اوراقی را بزبان انگلیسی به نقل قولی ازچند برادرعرب به نشرسپرده است تا توانسته باشد ازین طریق نفاق ودوئی را درمیان سازمان جمعیت وبرادران عرب ما ایجاد نماید .

جمعیت اسلامی افغانستان باین باوراست که برادران عرب ما درجهاد اسلامی افغانستان بحیث عناصرمصلح وخیرخواه جهاد کارنموده وابداً بکاری دست نمی زنند که موجب نفاق ودوئی بین برادران مجاهد شان وآنها گردد .

جمیت هیچوقت چنین ادعای رابراه نیانداخته است که کارهائی وازهرگونه اشتباه بدوراست وکمی ها وکاستی ها درکارهای اونیست وهیچکس وهیچ سازمانی هم نمیتواند چنین ادعائی رابراه اندازد .

خونین کربلای تخار

فاجعه‌دردانگیز ۱۸ سرطان ۱۳۶۸ درولایت تخار که‌دراثرآن تعدادی ازفرزندان صدیق وباوفای نهضت اسلامی ما قربانی شدند، ناشی ازیک توطئه عمیق دربرابرانقلاب اسلامی کشورعزیزما افغانستان است.

تکوین این فاجعه‌چنانکه‌آقای حکمتیار یکی از مسببین وعاملین آن ادعا دارد که‌ناشی ازیک برخوردمنطقوی ست، وحزب اسلامی منحیث هدایت کننده‌درین توطئه‌دخالتی ندارد، نیست بلکه‌اسناد ومدارکی دردست است که‌هیچگونه‌تردیدیرا باقی نمی گذاردکه‌این فاجعه‌مستقیماً" ازیک استراتژی وسیعی نشئت می کندکه‌خط مشی کلی حزب را تشکیل میدهد وزاده‌اندیشه‌وفکرشخصی حکمتیار است.

دراثبات ادعای فوق که‌فاجعه‌یادشده‌ناشی ازیک توطئه‌بوده‌نه‌اینکه‌حادثه‌باشدتصادفی وخودرو

با فرض اینکه اگر برادران عرب ویا کسانی دیگری با اشتباهات ونواقص درین سازمان و آن سازمان برمی خورند باید بفحوای فرموده پیامبر اکرم که فرموده است : ((الدین النصیحة الدین النصیحه))

به نصیحت وخیرخواهی بپردازند نه دست زدن به کاریکه خدای نخواسته موجب دوری ودوئی گردد.

خوشبختانه که درین اواخر برادران عرب ما محتوای آن نامه نشر شده بزبان انگلیسی را بکلی تکذیب نموده وبصراحت اعلان کردندکه اکثر نامهائیکه در آن نامه از آنها تذکر رفته ابدا "به مناطق جمعیت درسمت شمال نرفته اند.

آنها ضمن نامه بصراحت گفته اندکه ما از همه معلومات که درین نامه آمده است مسعود را برائت میدهیم.

برادران عرب نشراین نامه را جداً تقبیح کرده وبوضوع اعلان نموده اندکه ما به اسلامیت وتقوی وسابقه نیک مسعود اعتماد کامل داریم.

بناءً ما دخالت دادن برادران عرب را درین قضیه یک عمل نفاق افگنانه تلقی کرده ومی گوئیم آنهائیکه می خواهند باین کار غیرانسانی بودن فاجعه هژده سرطان را پرده پوشی کنند ، جزاینکه آهن سرد را بکوبند ،چیزی دیگری را کرده نخواهند توانست

(بمیرید باخشم خود)

شب پره گروصل آفتاب نخواهد
رونق بازار آفتاب نکاهد

جمعیت اسلامی افغانستان بابرخورداری از فرماندهان مکتبی وآگاه وبا تجربه‌خوداکنون صلاحیت وشائستگی آنرا پیدا نموده است که‌تا ثیدوسیعی از اقشار مردم راکمائی کندوروش اسلامی فرماندهان آگاه وبا تجربه‌ا وچنان درقلوب مردم ریشه‌دوانیده که‌نمی توان آنها را بدوراز مردم تصورکرد .

شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان اکنون دراثردرایت وآگاهی اسلامی ومکتبی خودچنان دستآوردهای عظیمی جهادرانصیب جهاداسلامی افغانستان کرده‌که‌نه‌تنها مایه‌امیدجبهات جمعیت گردیده بلکه‌جبهات سائرتنظیم های جهادی ازتجارب وکار آگاهی آن درساحهٔ جهادبهروزندوضرورت های مادی ومعنوی خودرااز طریق آن مرفوع میسازند .

تاریخ یازده‌سال جهادبرادرمسعودنه‌تنها

با زگوسا زشخصیت وا هلیت ا ودرمبا رزه با دشمن خونخوا روسفا ک ا ست ،بلکه‌ا مروزبرا ی مردم درهمه جا بویژه درجبها ت شما ل ما یه‌ا میدشده ا ست .

حزب حکمتیا ربرا ی ا ینکه‌توا نسته با شدشخصیت جها دی برا درمسعودآ مرشورا ی‌نظا رجمعیت ا سلامی ا فغا نستا ن را جریحه‌دا رسا خته با شدبرچسب ها ی نا چسپی‌را حوا له‌ا ومیدا رد .

ا ین موضعگیری دشمن منشا نه‌حزب حکمتیا ر ودنبا له‌روا ن آ ن دربرا برشورا ی نظا ربویژه شخص برادرمسعودپدیده‌آ نی نبوده‌وریشه‌ها ی آ ن تا سا ل ها ی ۵۴ فرورفتگی دا رد .

حکمتیا ربا درکی که‌ا زشخصیت وا هلیت مسعود دا شت درهما ن وقت‌طا قت تحمل آ نرا ندا شته ودرپی آ ن شدکه‌ا ورا چون ا نجنیرجا ن محمدشهیدا ز میا ن بر دا رد .

شورای نظا رجمعیت ا سلامی ا فغا نستا ن وآ مر آ ن مسعودا کنون توا نا ئی آ نرا دا ردکه‌هرقدرتی را ا زدست‌با زی به‌سرنوشت جها دا فغا نستا ن ما نع گردد .

قضا وت ودا وری برعملکردها ی جها دگشورا ی نظا ر وشخصیت مسعودبهترا ست ا کنون بملت مجا هدوجبهات جها دی ا فغا نستا ن واگذا رشودکه‌آ نها چه‌می گویند .

مردم مجا هدما ا مروزبین شیرها ی بنا م وشیرهای

واقعی فرق گذاشتندامروزمردم ماآن‌هزمانده‌ان بنامی راکه‌سرلوحه‌کارشان راچوروچپاول وتجاوز برعفت مسلمان تشکیل میدهدبافرماندهان روس‌شکن‌ومزدورسوزدریک کفه‌قرارنمی دهندولاکنون درک کردند که‌شیرقالین کی است وشیربیشه کدام است : ((شیر قالین دیگرو شیرنیستان دیگراست)) وفرقی است زفت ازشیرقالین تاشیربیشه.

آژیر خطر

درهمین روزها که از زمین تا اسمان کشورما همه درسوگ شهداء مظلوم نهضت اسلامی افغانستان قرار دارد ،نشرات حزب آقای حکمتیار درتوجیه جنایا تخود نوشته ها و سرمقاله ئیرا به نشررسانیده که یکی از آنها تحت عنوان "استعمار وارتجاع با فتنه وتوطئه نو" منشرجریده شهادت ودوم هم تحت عنوان ((نگذارید انقلاب تهدیدشود))که درشماره ۱۹۱ شهادت به نشر رسیده است .آنهائیکه بفرهنگ انقلابی اسلام آشنائی داشته واصطلاحات ایدیولوژیکی انقلاب ها ونهضت های اسلامی را می شناسندبخوبی آگاه هندکه کلمه ارتجاع در دانشنامه اصطلاحات سیاسی اسلام جای ندارد.

ارتجاع آنطورکه دردانشنامه سیاسی مربوط به انقلابهای جاهلی مطرح است عبارت است از سنت گرائی وگذشته گرائی ویا پابندی به دستورها وقوانین وتقالیدگذشته که دربرابر اصطلاح ترقی وترقیخواهی قرار دارد.

مرتجع به مفهوم فوق شامل قشرهای روحانی،

علمای دین ودیگر گروه ها است که در قطب مخالف ترقی خواهان (به مفهومیکه در اصطلاحات سیاسی غرب معروف است) قرار دارند.
این اصطلاح بقرن شانزده و هفده راجع گردیده در تاریخ اروپا بدوران رنسانس معروف است که از مشخصات آن جنگ بین دین و علم است.
در سرمقاله دیگری از جریده شهادت نوشته شده که ((چه ملت ما در گذشته از زنیرنگ عبا و قبا دراما ن نمانده است از احساسات پاک آنها استفاده سوء نموده اند و سرانجام شومی را برایشان ارمغان آوردند...و انگلیس ها کله از زیر سله بدر کردند...))
خیلی ها شگفت آور است که نشریه های مدعی بنیادگرائی (که به دروغ خودرا درقطبار (بنیادگرایان جا زده و با پشتیبانی از کودتا توسط افسران خلق مشت ها شان با زوچهره شان عریان شد) با ستعمال همچو کلمات دست می یازند.
نهضت های اسلامی که درین قرن اوجگیری ویژه نصیب آنها گردیده همه و همه شعار بازگشت بزندگی عصر پیامبر و یاران او را بالامی کنند و همه روحانیون و علما بارمان آنند که با آن صفا و صمیمیت که در دوره های عظمت و مجد اسلام بوده نائل گردند و دست آوردهای عظیمی فکری و اجتهادی گذشته تابناک خود را مشعل راه خود قرار دهند.

پس اگرا مروزا رتجاع با هما ن مفهوم غربی آ ن بکا ر رودیقین دا شته با شیدکه همه علماء وروحا نیون نهضت ها ی ا سلامی درقطب مخا لف همچوگروهی قرار دا رندکه همچوا مطلاحاتی رادرنشرا ت خویش بکا رمیبرند.

بدبختا نه اکنون ا زحنجره نشرا ت ا ین مدعیا ن بنیا دگرا ئی هما ن فریا دها ی بلندمی شودکه عمر۶ عما ل مزدوروسوسیا لیزم وکا پیتا لیزم درکشورها ی ا سلامی بخا طرا جراء پلان شوم دین زدا ئی دربرا بر علماء دین وروحا نیون بلندمی کردند.

آ ری ! کا ربردهمچوکلما ت ونشرهمچوسرمقا له ها جزا ینکه کا رددشمن را تیزنما یدودرآ سیا بی دشمن آ ب بریزاندفا ئده دیگری نخوا هد دا شت وخدمت صا دقا نه است بدشمن .

بناء "درهمچوشرا ئط برما ا ست تا گروه هـا وچهره ها ئیرا که دما زا سلام وحکومت صد فیصدا سلامی می زنندشنا سا ئی نما ئیم وببینیم که عملکردها ی آ نها چگونه ا ست ؟

آ یا آ نها با ا ین شعا رها ی تندوتیزخودوا قعا " خوا ها ن نظا م متکی برشعا ئرا سلامی با همه معا نی که ا ین کلمه ا فا ده می کنند - میبا شندویا چون قـذا فی دربا لای میزکا رخویش قرآ ن را گذا شته وسوسیا لیزم را پیا ده می کنندونظا م مترقیا نه با ب دندا ن ا ردوگا ه سوسیا لیزم را دربدل خون بیش ا زیک ملیون شهید

برای ملت مجاهد افغانستان با رمغان می آورند؟!!
چه بدبختی بدتر ازاینکه علماء دین وعبا وقبای آنها همان عبا وقبائیکه همه بزرگان سلف ونوابغ ودا عیان راه حق امت اسلامی ومجتهدان دین با به بر داشتن آن بزرگترین خدمتی را بجامعه انسانی انجام دادند.

تعهدات حزب آقای حکمتیار با گروهک های سفزا و سازا چه تغییری دارند

درین اواخرکه جبهات جمعیت اسلامی افغانستان بعملیات پاکسازی گروه‌های مزدورسازا وسفزا درولاء کوکچه دست بکارمی شوندحزب حکمتیار با ملیشه‌های شناخته‌شده منطقه وگروه‌های مارکسیستی سازا وسفزا دریک اتحادنا پاک بعدا زاتخاذ پلان مشترکی درکندک قومی مرزا عبدالرحیم که بر فراز آن پرچم سرخ خلقی ها دراهتزاز است دست بکار شده ولشکرکشی ها ئیراعلیه مراکزجهادی جمعیت در رستاق وچاه آب وشهربزرگ براه می اندازند حتی درهمین روزها دوطیاره خاصیکه موظف باکمال احمدشیخانی این ستمی شناخته‌است مورداستفاده گروه‌های بشیرقرارگرفته وآنها ازمرکزاحمدشیخانی خودرااکمال نموده وعلیه واثقی وملاپیرم قل قوماندان عمومی ولسوالی رستاق وقاضی فیض‌الدین

وسروش درچا ه‌آب ،عملیا ت ها ی آ دمکشا نه‌را بـــرا ه می ا ندا زند .

ثبت قوما نده بشیر به همه سرگروپ ها ی حزب آ قا ی حکمتیا ر در تخار که در آرشیف اسنا د جمعیت در شورای نظـا ر موجود است خود سند زنده بر پیما ن بین ملیشـــه‌ها ی دولت و بشیرا ســـت .

بشیر ضمن این قوما نده خود بسرگروپ ها یش می گویدکه:
« ما بعدا زین متحدا نه با دولت علیه شورا ی نظـــا ر جمعیت اسلامی ا فغا نستا ن می جنگیم »

ما ا ز آ قا ی حکمتیا ر می پرسیم که ا زین عمـــــل ا سلامکشا نه بشیر چه منظوری دا رد؟

هدف آ قا ی حکمتیا ر ا ز لشکرکشی ها یش بــــا لای متعهد ترین جبها ت جمعیت در شهر بزرگ با شتراک احمد شیخانی ستمی شنا خته شده چه تعبیر دا رد؟ آ یا ا ین لشکرکشی‌ها توسط بدنا م ترین چهره حزب آ قا ی حکمتیا ر در منطقه بنا م شعیب الله مشهور به بشیر بیا ن گر آ ن نیست کـــه ا ین گروه با لشکرکشی ها ی خود با لای مجا هدین چا ه‌آب و شهر بزرگ که یگا نه وظیفه شا ن گسترش و تا ٔ سیـــس مکا تب در منطقه است ، درپـــی ا یجا د ا ستا لیــــزم جدید در چوکا ت ا نقلاب ا سلامی میبا شد .

گیر م که خلق را بطوا هردهی فریب
را زتوا زخدا ی توپنها ن نمیشـــود

ناگزیریم چندقدم بعقب برگردیم وداستان را از خروج نیروهای روسی ازکشورعزیزمان بیاغازیم وارتباط منطقی این فاجعه‌را با حوادث قبلی آن ارزیابی کنیم وبعدببنیم که‌این فاجعه چگونه‌و چرا بوقوع پیوست؟ بعدازخروج نیروهای اشغالگران ازافغانستان تشکیل دولت عبوری مجاهدین درسطح جهانی ومنطقه باوربه‌این بودکه‌رژیم‌دست نشانده‌مزدورسقوط می کندودولت مجاهدین به‌جای آن می نشیندوچون آقای حکمتیاردرحکومت موقت صلاحیت اجرائی نداشت راضی نبودکه‌رژیم کابل بدست این حکومت سقوط کندزیرا با سقوط رژیم کابل وجاگزینی حکومت‌موقت مجاهدین بجای آن‌چه‌راکه‌آقای حکمتیاردرسرمی پرورانید،برایش میسرنبود،بناءً برای آنکه‌درآینده‌کشورتنها خودش یکه‌تازمیدان باشدودرسرنوشت آینده‌کشورتنها خودش حاکم وحکمروا باشدبایدراهی را پیش گردکه‌تعبیری باشد برای خواب‌های پریشان او. جهان شاهداست که‌تنها نیروی کوبنده‌مجاهدین بودکه‌سبب شد تا روس‌ها کشورما را ترک کویندواین بیرون شدن نیروهای روس نتیجه‌قربانیهای شباروزی همه‌تنظیمهای جهادی افغانستان وجبهات منظم ورزمی وآگاه جمعیت اسلامی افغانستان بوده‌وحزب اسلامی درین جریان بیشترباادعاهای عریض وطویل پرداخته‌تا

چه دلاوراست دزدی که بکف چراغ دارد

رهروا ن یک ا نقلاب عقیدتی بویژه آ نها ئیکـــــه درسمت رهبری قرا ردا رندا گرفا قدبینش همه جا نبه. و کا ملی درا یدیولوژی ا نقلاب بوده وهرخوشهٔ را کـــــه ا زهرخرمنی جمع کردنـــــدبعنوا ن خط فکری خـــود درمسیرانقلاب می پذیرند ،بدون شک پی آ مدحتمی آ ن درکوتا ه یا درا ز مدت هما نا سقوط درنیمهٔ را ه مبارزه بوده وبسا وا قع می شودکه بجا ی خدمت با نقلاب چنـــا ن ضربه ها ی جبرا ن نا پذیررا متوجه آ ن سا زندکه دشمــن هم ا زوا ردکردن آ ن عا جزا ست حکمتیا را زهمین قما ش کسا نی ا ست که با دا نش ا زطرا زیا دشده خودرا بــــا ن ا غواء تعدا دی ا زوا بسته ها ی نهضت ا سلامی ا فغا نستا درپا کستا ن درمقا م رهبری جـا زد.

ا کنون با هما ن فهم کوتا ه خودهمه عملکردهـــا ی نا جا ئزخودرا صبغه دین دا ده وآ نگا ه که ا زتوجیه ا عما ل ضدا نسا نی وا سلامی خویش نا توا ن می شود ،بی شرمانه

همه‌جنا یا تیرا که مرتکب گردیده بدیگرا ن منسوب میدا رد ،تا بزعم با طلش دا من خودرا ا زلوث آ نچه کرده ا ست پا ک نگه‌دا رد .

((گا هی به‌هیچ خا طرخودشا دمی کند))

ا صطلاح دزدچرا غ بکف که‌درا دبیا ت مردم ما بکا رفته جزهمچوا شخا ص نمی توا ندمصدا قی دا شته‌با شد .

حکمتیا رودنبا له‌روا ن تا ریک وجدا ن ا وا کنون بخا طرآ نکه‌برا ی خویشتن ولودرلحظهٔ نوشتن با شد آ را مش وجدا نی را کما ئی کرده‌با شندکشته‌ها ی دستان تا شا نه‌خون آ لودخورا درکوچه‌ها ی حریفا ن سیا سی خویش پشته‌می سا زندوبرف با م شا ن را حوا له‌با م دیگرا ن می کنندورنه‌همه‌مردم محل کشته‌ها ی با ندحکمتیا رامیدا نندکه‌معلم ودود ا زدست‌کدا م حزبی خا ئن بقتل رسیدوآ ن خا ئن منسوب بحزب ا ز طرف کدا م خا ئن دیگرحزبی کشته‌شد .

ا سنا دموثقی ما را دردست ا ست که‌آ نهمه‌کشته‌های نشرشده‌درجرا ئدحزب همه‌محصول جنا یت ها ی حکمتیا ر وبا ندا وا ست وبس .

آری کسی که‌خواسته‌های نفسي وقائدوفرمانروانش باشدهدف او درهمه اعمالش تنهاتأمین خواسته‌های اوست نه چیزدیگر.

اگرازطریق کودتا که‌عمری ازطریق حرافی‌های خودآنرا محکوم مینمودبقدرت رسددرآنصورت کودتا مجاز است.

اگرازطریق دروغ‌بتواندأذهان مردم رانسبت بکرده‌های غیراسلامی اش مخدوش سازددرآنصورت بازهم دروغ امری است مجاز...

باش تا آفتاب جلوه‌کند
کاین هنوزازنتائج سحراست

تبرای چنان وتولای چنین

نهضت ها وجنبش ها ئیکه درخط اصیل اسلامی گام برداشته ومی خواهندکه رفتار ،کردار وگفتار شان صبغه اسلامی داشته باشد ،بائست هموار ه حرکت آنرا درروشنائی این دور چراغکه عبارتنداز "تبری "و" تولا" صورت گرفته وهمین دو ارزش هستندکه اندازه صداقت واسلام گرائی حرکت ها وجنبش های اسلامی را درمیزان آنها سنجش میتوان نمود .

آری ! تبری که عبارت ازدوری وبیزاری ازهمه گروه ها معیارها ونظام های طاغوتی وسلسله جنبانان آنها بحساب رفته و" تولا" همان دوستی باا حزابه ، نظام ها ومعارف الهی است که گرویدگان آنها پروانه وار پیرامون نور آنها درچرخشندو رمان شان همانا تحقق نظامی است که اثری ازگرنش وفرمانبری کورکورانه ازین جبار وآن طاغوت درپیشانی آن ها نباشد ،وتبرش هموار ه متوجه بت هائی است که بروفق امیال وخواسته های خود

خوا ها ن مستکبرا ن صورت بندی شده‌ا ست .

اینک با توضیح وتحلیل دوا صطلاح ا یدیولوژیکی فوق که‌ا زآنها تذکررفت به‌ا صل موضوع برگشته و موضع آنها ئیرا که‌گوش فلک را ا ز " تبری" گرا ئی خودکرکرده‌بودندا رزیابی کرده‌وا زآنها می پرسیم که: چه‌تحولی رخ دا دکه "تبری" گرا ئی شما ا زنظا م ها ی کفری وخدمتگذا را ن آنها به "تولا"گرا ئی تبدیل گردید؟

چه‌چیزباعث‌گردیدکه‌آن ا فسرا ن نظا م خلقی با کلاه‌ها وپطلونهای سرخ خودکه‌ملت ستمکشیده ا فغا نستا ن آنها را قا تل‌فرزندا ن خودمیدا نند ،عمل کودتا ئی آنها موردتقدیروتمجید قرا رمی‌گیرد؟

آقا ی حکمتیا ربا همه موضعگیریها ی تبری نما یا نه‌خود ،چه‌را ئحه‌ا ی را ا ستشما م می‌کندکه ا فسرا ن تخت وتا ج بخش به‌حزب خلق وپرچم را موردنوا زش قرا رمیدهد؟

پرسش ها ی فوق وده‌ها پرسش دیگری ئظرآنها بیا نگرآنندکه‌درزیرکا سه‌نیم کا سه‌ء وجوددا رد .

آری! رسیدن به‌تخت ودیهم درین جا مطرح بوده‌وبا یدتا ئیدگردند .

اگر چنین نیست کدام منطق حکم میکند که توسط افسران خلقی حکومتی بپا سازیم اسلامی وپاسبان ازدست آوردها ی جهاد؟

چنین تولای با چنان تبری جزاینکه بیادما همان مصرع مولانای روم را آرد که می گوید:

((دمدم این نای ازدم های او ست))

آری همان دم قدرتخواهی است که از نای این نی نوازان بالامی شود.

زمانیکه انسان این موضعگیری "تبریٰ"ما بانه را مشاهده کرده وبعداً" ۶۰ فیصد استفاده از امکانات دستگاه فلان ابرقدرت را می شنوند انگشت حیرت به دندان گزیده بدون اختیار ازخودمی پرسد: چرا آنکتاب نفاق راکه با استفاده از این کتاب وآن نوشته ونوشته کرده اند نمی خواند.

آیا این همه بیدارخوابی ها ومغزسوزی ها بخاطر آن است که چهرهٔ حریف سیاسی خودرا درنظر دیگران مخدوش سازیم ؟

آیا چنین منطقی می تواند پایه اسلامی داشته باشد؟

نه هرگز نه !!!

منطق اسلام بما امرمیکندکه باید ما درهمه کار و کردارخویش ازحق تمثیل نماییم ولوکه برضرر ما هم باشد.

ما از بیدار ضمیران حزب اسلامی می‌پرسیم ؟

درجوامع انسانی بویژه جوامعیکه زندگی خودرا در دوری از رهنمودهای زندگی ساز وعزت بخش والای اسلام به پیش می برند بسا می شودکه انسانی ازکرده‌ها ضد اخلاقی شرم آورخویش دربرابر رقبایش راه انکار را پیش گرفته ودرصورت عدم قدرت با نکار از ارتکاب جرم ،تلاش بخرج میدهدتا به‌کرده‌های سیاه خویش‌وجه معقولیت دهدوتفسیرهای فراوانی را بکار می بندد تا درظاهر (بزعم خود)از ریختن آبرویش جلوگیری نماید .

امازمانیکه‌بخلوتگاه وجدان وضمیرش می رود خلوتگاهیکه‌جزداورضمیر ووجدان داوردیگری درآنجا نیست ،احساس می کندکه‌تازیانه‌های وجدان بسروبرش ژاله‌وار پیهم می‌ریزدکه‌چرا چنین کاریرا مرتکب شده است ؟چرا خون بغیرحق را ریخته است ؟ چرا ناموس مردم را دریده است ؟چراعفت مردم را پامال خواسته‌های شیطانی خودکرده است ؟

درآن وقت است که بسرزنش ونکوهش خویش
می پردازدکه چرا چنین کرده است و ...
اینک ما با ذکرآنچه گفته آمدیم از بیدار ضمیران
حزب اسلامی بپرسیم که ضمیر ووجدان شما در مورد افترا های
هزیان گویان پیروحکمتیار که کشته های دست های
پلیدخودودولت وسائرتنظیم ها را بدوش جمعیت
وفرماندهان آن می اندازند، چه داوری می کنید؟
ما یقین کامل داریم که برادران بیدارضمیر
ما بقضایا وحقائق آگاهی داشته وهیچگاهی
ضمیر ووجدانشان آنها را نمی گذارد که باین افترا ها
ساخت فابریک های یکه تازی های فلان وبهمان، مهر
تائیدبزنندشما خود داوری کنیدآیا معلم ودود از
طرف جمعیت ازمیان برده شدویا ازدست شیدا؟
آیا شیدا ازطرف نادرکشته شدویا ازطرف کسی
دیگری؟
آیا انجنیرحمیدالله توسط بمباردمان دولت
با ساس مخابره افراد منسوب به حزب کشته شده
ویا ...
آیا مولوی ابراهیم توسط افراددولتی درجبهه
کشته نشدکه بعدا "بدولت رفت"؟ویا ازطرف کسی
دیگری؟ حیدرودادرا که کشت؟
آیا انجنیرعبدالوهاب کشته لشکرکشی های بشیر
بدنام درا شکمش نیست که با جنگ افروزی

بخاطراشغال قرارگاه های قاضی اسلام الدن باین سرنوشت دوچار گردید ؟

آیا عبدالستار حکیمی از طرف مودودی قوماندان فعلی حزب در غور کشته نشد ؟ آیا شما نمیدانید که خارنوال رؤف از طرف افراد کدام تنظیم بقتل رسید ؟ وصدها چرا های دیگر .

آنچه ما می گوئیم همه مردم منطقه آنرا می گویند واسناد زنده موجود است که افراد کشته شده در حزب همه بدست افراد حزب آقای حکمتیار صورت گرفته نه بدست کسی دیگری .

اساساً سیاست علیای حزب حکمتیار آن است که نمی گذارد افراد وفرماندهان رشد نمایند تا در آینده برای وی دردسر ایجاد نکنند .

ما بصراحت اعلان می کنیم که هیچگاهی چنین نشده که جمعیت افرادی از حزب را اسیر کرده باشد وبعداً آنرا بقتل رسانده باشد ومثال زنده آن همان داکتر شیراست که تا هنوز در نزد فرماندهان جمعیت در بدخشان با وصف همه فتنه انگیزی هایش اسیر است .

البته در جنگ های بین تنظیمی که شعله ور ساز آنها هم بروی اسناد درسمت شمال حزب آقای حکمتیار است افرادی از طرفین کشته شدند که حساب اینگونه کشته ها از حساب آن کشته های عمدی جدا است .

فرماندهان جمعیت در ولایت تخار همیشه اعلان کرده

جمعیت اسلامی افغانستان

بودندکه‌ما می خواهیسم با تنظیم های موجود درمنطقه‌ولوکوچک هم با شندبرادرانه‌زندگی کنیم وگرنه‌قدرت آنرا داریم که‌هرگروهی را درانند ک ترین مدت ازمیان برداریم چنانکه‌بعداز حدوث فاجعهٔ اخیرآن قهرمان بنام درمدت پنجاه‌دقیقه بدون اینکه‌جزئی ترین تلفاتی واقع گردد، اسیر گردید .

با زهم بروی آنچه‌گفتیم قضاوت را بشما میگذاریم که‌چه‌می گوئید .

اینکه شرکت فعالانه در رهم کوبی مراکز دشمن داشته باشد.

بناءً وقتی روس ها از کشور بیرون می شوند دیگر دلیل برای دوام وبقاء مزدوران ش وجود ندارد ونا چار باید دولت کابل سقوط کند ودر صورت سقوط دولت مزدور همه نیروهای جهادی در تعیین سرنوشت شان سهم می گیرند وآغای حکمتیار یقین دارد که در چنین صورتی با زهم خوابش بی تعبیر می ماند.

بناءً باید در جستجوی چاره گردد تا بآرمان های برتری خواها نه خود نائل گردد. لذا حکمتیار بعد از اینکه با بیانیه های ناسنجیده خود لطمه ء را متوجه حیثیت جهاد در جلال آباد می سازد، از طریق امواج رادیو بروسها ودولت مزدور پیام میدهد که او حاضر است وساطت یا سر عرفات را بحیث میانجی در قضیه افغانستان بپذیرد ومنابع دیپلوماسی این را گامی درجهت آمادگی حکومت عبوری مجاهدین برای پذیرش حکومت مزدور در تأسیس یک حکومت ائتلافی با قاعده وسیع تلقی کرده اند. بهرحال آغای حکمتیار که جز قدرت خوابی نمی بیند، متوجه می شود که برنامه ها در داخل کشور برای سرنگونی رژیم مزدور از طریق فرماندهان مجاهدین در رأس شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان در جریان بوده وعنقریب پیاده میگردد ونه تنها رکود حاکم بر جوجها د راکه منجر به جان دوباره

گرفتن رژیم مزدوردرحال احتضا روقرا رگرفتن دستگاه های خبرپراگنی به نفع حکومت مزدورگردیده درهم می شکنندکه با حتمال قوی رژیم سقوط میکند وحکومت اسلامی مجاهدین بدون اینکه حکمتیار را درراس داشته باشدبقدرت می رسدلذا با شتاب روانه داخل می گرددتا ازنزدیک قضیه را دنبال کندو وتصامیم لازم رااتخاذنما یدکه اینک برمی گردیم بجریان وقوع فاجعه :

هدف شورای نظار از تدویر اجتماع فرماندهان در فرخار چه بود ؟

بخاطراینکه هدف شورای نظار راازتدویراجتماع فرماندهان درفرخارفهمیده باشیم بی مناسبت نیست درین جا قسمتی ازنامه ای برادرمسعودرا نقل کنیم به پشاورعنوانی امیرولایتی ولایت تخارفرستاده است :

"موقع آن بودتا ششمین اجلاس شورای نظاردرین شرایط حساس دائرو روی موضوعات اساسی صحبت ومشوره صورت گیردوبراساس آن با تخاذتصامیم مشترک ومعقول درقبال مسائل سیاسی ونظامی به موافقه برسیم ولی به نسبت احتمال حملات هوائی دولت این اجلاس را به وقفه ها درچارمرحله دائرنمودیم:
نخستین اجلاس دراواخربرج ثوربا برادران پروان کاپیسا .
دومین جلسه دراوائل برج جوزا با برادران اطراف کابل .

سومین جلسه دراواخر برج مذکور با برادران لغمان وتگاب ونجراب درپنجشیر دا شتیم که همگی نتایج سودمندی داشت .

چارمین جلسه که شاید مهمترین وپربارترین جلسات می بود بتاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۱ درفرخار با شتراک مسئولین عمده جهادی ولایات تخار ، بغلان وکندز وتخاردائرشد .البته جریان بعدی وقوع حادثه درهمه جرائد نشرگردیده که ذکرش درین جا بی فایده است .

آری ! این حادثه درهمچووقتی بوقوع می پیوندد درفرصتی صورت میگیردکه رژیم درحال احتضار نجیب دوباره جان گرفته ،دستگاه های خبررسانی همه به نفع اشغالگران ومزدوران آنها مشغول تبلیغ اندومراکزدشمن درهرجا دوباره تقویه گردیده وملیشه های آماده تسلیمی ازتسلیم شدن سرباززده وآماده جنگ با نیروهای مقاومت می شوند .

درهمین حالیکه شورای نظارجمعیت اسلامی افغانستان می خواهدبا پلان های دل انگیزوکارفر اندازخودبه بن بست فعلی جهادخاتمه دهد وازچهره های طراحان پلان اعاده حیثیت جهاد ازطریق بسراه اندا ختن عملیات هماهنگ ومنظم باروا میدمی درخشید ،آری درهمین حال حادثه ننگ آورتنگی فرخار توسط جلادان حزب حکمتیار بوقوع می پیوندد زمین سرخ گردیدتا آسمان

زخون شهیدان گلگون قبا

این سپاهیان رشید اسلام چه آرمانی در دل دارند و آن تفنگداران سیه دل چه می کنند؟!! کمین می گیرند، می کشند و مثله می کنند چشم ها را می کشند و محاسن ها را تا رتارمی کنند و بباد میدهند. زهی قساوت قلب وزهی جفا وستم آه چه خدمت صادقانه بدشمن ومزدوران ش !!!

چه کسی آماج تیر این تیره روزان قرار می گیرند؟

۱- برادر قاضی اسلام الدین حامد آماج تیر کینه توزانه آنها قرار گرفته و دست های همیشه در ماشهٔ تفنگ او و بر ضد اشغالگران را قطع می کنند چشم ها یش را می کشند و دندان های مروارید وار او را با سنگ می شکنند.

برادر قاضی اسلام الدین حامد که همه اعضا و افراد نهضت اسلامی افغانستان و قسماً اعضاء نهضت های اسلامی کشورهای اسلامی برادر نسبت به آن و به شخصیت آن معرفت کامل دارند و خدمات قابل ملاحظه آن از نظر هیچیک از رهبران تنظیم ها و کدرهای آن پوشیده نیست.

او از آغاز جهاد مسلحانه مجاهدین را صف بندی می کند و علیه کفر و الحاد مدت (۱۱) سال می رزمد پوزه دشمن را بخاک ذلت میمالد و هنگام تهاجمات دشمن بالای مرکز فرماندهی اش شخصاً چندین شبانه روز با روسها می جنگد و در نهایت دشمن راشکست میدهد و اخیراً در چنین یک اقدام ناجوانمردانه

یک مشت بی فرهنگ و بی تعهد سینه اش می درد و مثله می شود وجسد پاک و بزرگش قطعه قطعه بدریا انداخته می شود.

۲- داکتر سید حسین شخصیتی که از صنف چهارم مکتب متوسطه تحت آموزش و پرورش شخصیت پیشتاز نهضت اسلامی کشور سید عبدالرحمن بهائی قرار میگیرد تحصیلاتش را تا صنف چهارم پوهنځی طب کابل توأم با فشار و شکنجه استبداد و دوقت ادامه میدهد و در اثر مبارزه پیگیر و بی امانش راهی زندان جهنمی پلچرخی میگردد و بعد از مدت دو سال از حبس رها و مصروف صف آرائی جهاد می شود و مدت (۱۱) سال مکمل در میدان جنگ و در تاریکیهای دود، گازو باروت دشمن زندگی میکند و سرانجام وجود قافله ٔ نور را خفاشان شبگرد تحمل کرده نمیتوانند و جای آن در کرسی شورای نظار خالی می شود.

۳- سر معلم طارق شهید یکتن از فرزندان صدیق و سر باز راشد نهضت اسلامی کشورما ننداین برادر انش با انواع شکنجه ها و فشارها دست و پنجه نرم می کند و در نخستین بامداد انقلاب اسلامی کشورمان مصروف صف آرائی علیه تجاوز روسها میگردد و مدت یازده سال را در پیشاپیش سپاه مسلمین سپری میکند و اخیراً توسط کسانی به کشتارگاه وحشیانه کشانیده می شود که با رها آنها را یاری کرده و در مشکل ترین شرایط

که‌بیم جاندادن ونابودی تصورمی شددست شانرا گرفته‌وازخطرات صددرصدنجات شان بخشیده‌است .

خصلت نیکان نگیردآنکه‌بنیادش بداست
تربیت نااهل راچون گردگان برگنبداست

۴- ملاعبدالودودقوماندان معروف ومشهورولایت تخارکه‌شخصیت ممتازومخلص به‌جهادوانقلاب اسلامی بود و از آغاز انقلاب تاکنون دشمن دربرابرآن احساس عجزوناتوانی کرده‌وبزرگترین مراکزدشمن ازحملات دلیرانهٔ آن درامان نبوده‌است قربانی اطمینان وتعهداسلامی میشود.چه‌سعادت است که‌مسلمان در برابر تعهداش جان بسپاردوچه‌شرارت است که‌گروهی نقض پیمان وتعهداسلامی کندودستش رابه‌ماشه تفنگ سیاه‌وبدرنگش بگذاردوسینهٔ طرف تعهدش را بشگافد .

الذین آمنوایقاتلون فی سبیل الله‌والذین کفروا یقاتلون فی‌سبیل الطاغوت "

ما قضاوت رابدیگران میگذاریم‌که‌عاملین و ومسببین ومشوقین این فاجعه‌رادرکدام ردیف قرارمیدهند .

۵- مولوی عزت الله‌یکتن ازعلمای طراز اول جهاد اسلامی ما است باتجاوزدشمن به‌اساس رابطهٔ که با نهضت اسلامی داشت طلبه ومدرسه‌را می گذارد وسلاح بدوش میگیرد وفریضهٔ اسلامی اش رابجا میکند

اودرمدت یازده سال درخونین ترین جنگ های دشمن درصف اول بوده وبزرگترین قوای دشمن بمراتب توسط آن بها نهزام وتلفات مزیدی مواجه گردیده نهایت دشمن نتوانست که موی ازسرآن کم کند ما دوستان نقاب دار مازا آنرا ازصف جهاد محو کردند وخدمت بزرگی رابدشمن متجاوز ومزدوران انجام دادند .آنانیکه علما را وارث انبیاء میخوانند آنانیکه به علما ارج میگذارند آنانیکه ظاهرا "به خاطرکتمان چهره های اصلی شان علما را قدامت میدهند اخیرا "ما فی الضمیرشان افشاء می شود وبرای تبرئهٔ خویش چه دلیلی خواهند داشت .

چه چیز باعث گردید تاجمعیت پالیسی خویش را درهمچو موارد تغیر دهد ؟

جمعیت سلامی افغانستان با درک مسئولیت خود دربرابر پاسداری ازآبرووحیثیت جهاد ،همواره در برابر ارتکاب جنایاتی ازین قبیل سکوت را اختیار نموده وبرا تکا به این منطق کهاگردرین افشاء جنایت های ازین طرازبراید ،گویا مواد دنشخواری برای دشمن آماده کرده وروزنهٔ را برای سمپاشی دشمن بازنموده است ،به هیچ گونه عملی دربرابر همچوحوادث اقدام نمی کرد اما عناصرخودخواهی که درسمت رهبری برخی تنظیم ها قراردا شتند بکارهای اقدام کردندکه موبراندام از شنیدن آن راست

نهضت تا سال ۵۵ تحت نام جمعیت اسلامی افغانستان ، همان نام اولی ورسمی آن کارهای سازنده ای را انجام داده ووظایف خودرا ادامه میداد حتی تا همین حالاهم اساسنامهٔ جمعیت که درآن وقت نوشته شده بود ،به حیث اساسنامهٔ حزب مورد اعتبار است .

گلبدین تا سال ۵۵ به حیث عضوشورای اجرائیه جمعیت ومسئول ارتباط ایفای وظیفه میکرد .

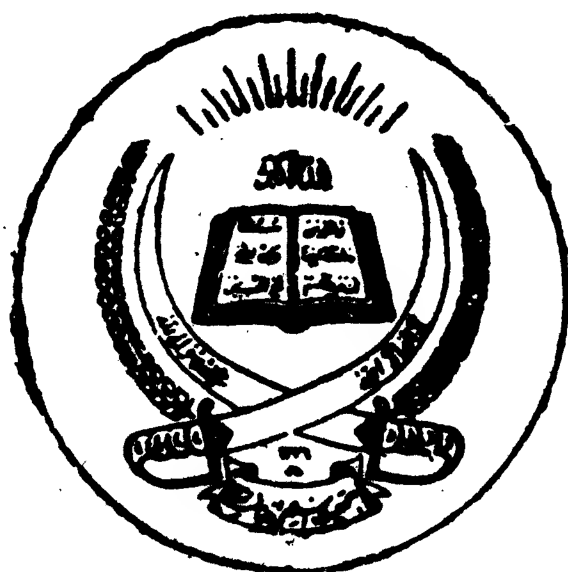
پالیسی مبارزاتی جمعیت درآنوقت این بود که عملیات زیرزمینی ومخفیانه بصورت وسیع باید درمرکز (کابل)صورت گرفته وچهرهٔ داؤدوکودتای ۲۶ سرطان ازطریق نشریه‌ها افشاء گرددواینکاربتا جائی عملی هم گردید . ونشریه‌های بنام "فاجعهٔ ۲۶ سرطان "و"داود درگذشته ننگین" "حاضرجنایتبار وآینده هولناک " هم درکابل ،درمیان مراکز علمی وطبقات چیزفهم مردم پخش گردید .از طرف دیگرنظربرآن بودکه نخست بهاختطاف سرکردگان احزاب چپی بایددست یازیدتالانه‌های پخش افکار کمونیزم نابودگردد .اما گلبدین بدون اینکه درکی ازانقلاب مردم داشته باشد بصورت ناشیانه خواست عملیاتی را درولایات واطراف مملکت براه اندازدوگروپ هائی را هم به برخی ولایات روانه کردکه درنهایت امر منجربه آن شدتاتعدادی ازبرادران بشهادت رسند

آری! گلبدین با این عمل خود برای نخستین بار، انشعابی را در صف فشرده نهضت بمیان آورده و مرتکب جنایات بزرگی در از هم پاشیدن صف واحد نهضت گردید موصوف با این عمل خود مهمترین ضربه‌ای را بر پیکر نهضت اسلامی افغانستان وارد کرده و موجب شد که تعدادی از فرزندان نهضت نابود گردند. جنایت دیگری که گلبدین در برابر نهضت اسلامی افغانستان مرتکب شده است، همانا به شهادت رسانیدن انجنیر جان محمد شهید است که با تهمت های ساخته شده آنرا از میان برد.

جنایت کنونی که در تخار بوقوع پیوسته دنباله همان جنایت های است که از شهید ساختن انجنیر جان محمد شروع و تا حال ادامه داشته و در میان این دو جنایت، جنایت های بوقوع پیوسته که تاریخ نهضت اسلامی افغانستان از آن ننگ دارد.

مشت‌ها باز می‌شوند

چهره‌ها عریان



مشت ها باز میشوند

چهره ها عریان

مشت ها باز میشوند
چهره ها عریان
تیراژ (۲۰۰۰۰) جلد
تاریخ طبع : سنبله ۱۳۶۸

باش تا آفتاب جلوه کنـــد
کاین هنوز از نتائج سحر است

پیشگفتار

درهمان سپیده دم درخشش نهضت ،درهما ن لحظا تیکه
نخستین شراره های این جنبش عظیم پرده ها ی سیـــاه
وزمخت استبدا دوفرما نروا ی مزدورا ن کریملیـــن
وسا ئرا برقدرتا ن را پا ره می کرد ،درهما ن زما نیکه
با ا خلاص ترین فرزندا ن نهضت ا زدا منه ها ی پا میر
وکرا نه ها ی آ مو ودشتها ی هرا ت وجلگه ها ی شما لی
کوهدا من ونجرا ب وتگا ب ودا منه ها ی تورغـــــرو
سپین غرگردهم جمع گردیده ودرروشنا ئی رهنمودها ی
ا ستا دا ن چندضمن را هپیما ئی ها وتظا هرا ت خیابانی
تندبا دها ی ریشه کنا نه ٔ را متوجه کا خ ها ی زورگوئی
وپلان ها ی دین زدا ئی فرما نروا یا ن وقت کـــرده
بودند ،درهما ن دورا نیکه روشن ا خترا ن رهائی ملت
ما ا زبندها وزنجیرها ی طا غوت ها ی جها نـــی و
مزدورا ن آ نها درا فقها ی آ رما ن ها ی ملـــــت
ستمکشیده ما می درخشید . . .
آ ری! درهما ن فرصت درمیـــا ن نهضــــت مـــا
درصفـــوف پیشگا ما ن ا ین رستا خیز عظیم ،بودنـــد

چهره‌های کرعملکردهای آنها هموار ه‌موردپرسش‌ها واعتراضات برادران قرارگرفته‌وباعث ایجادشک وگمان درا ذهان سائربرادران می گردید.

(جمعیت اسلامی افغانستان)

زمانیکه استاد ربانی درسال ۱۳۵۲ بحیث امیر نهضت اسلامی افغانستان انتخاب گردیده‌وانجنیر حبیب الرحمن شهیدبحیث منشی جمعیت اسلامی افغانستان تعیین گردید، درهمین وقت کارها وموضعگیری های برخی چهره‌ها دربرابر برقضایا وحوادث جاری بویژه‌بعدازکودتای داوٴد چنان تفرقه‌افگنانه بودکه‌انجنیرحبیب الرحمن شهیدراوادارساخت، تابعدازختم یک مجلس ملالت بارکه‌با اشتراک تعداد ازبرادران بشمول مولوی حبیب الرحمن شهید در خانه‌انجنیرکریم دائرگردیده‌بود. بابرادری بگویدکه: ((بعدازین باید دست گلبدین ازدامن نهضت قطع گردد))

اما انجنیرحبیب الرحمن شهیدبعدازیک ودوشب توسط یک عمل اختطافی که‌ازطرف پرچمی ها طرح ریزی گردیده‌وبهمکاری وزارت داخله سروسامان داده‌شده بود، روانهٴ زندان گردید.

رهبری نهضت هم‌بنا برعوامل ایجادشده‌ازطرف رژیم داود ودسته‌های چپی‌درشورسال ۵۳ ازکابل به‌پشاورانتقال یافت.